Journal of Psychological Injuries Volume 1, Issue 2, Winter 2025, Pages: 13-26

The Mediating Role of Attachment Styles in the Relationship Between Fear of Self- Obsessive Compulsive Symptoms

Farhanaz Jabari Nanava [1], Abolqasem Raisi [1*]

[1] Department of Clinical Psychology, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Islamic Azad University of Tehran, Valiasr Humanities Complex (AJ), Iran

Article Info

Article type:
Research article

Article History:
Received: Sep. 04, 2023
revised: Dec. 12, 2023
Accepted: Jan. 20, 2024
Published Online: Jan. 18,2025

**** Correspondence to:***
Abolqasem Raisi
Department of Clinical Psychology, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Islamic Azad University of Tehran, Valiasr Humanities Complex (AJ), Iran

Email:
jabarifarnaz1354@gmail.com

A B S T R A C T

Introduction: Attachment styles and fear of self are important parts of the definition of obsessive-compulsive disorder syndrome. A person with insecure attachment styles sees unwanted thoughts and beliefs as important and dangerous, questions their ideas about reality, and acts out their fear of self, which has been linked to the development and persistence of obsessive-compulsive disorder syndrome. The present study aimed to investigate the mediating role of attachment styles in the relationship between fear of self and obsessive-compulsive disorder syndrome in master's degree students in psychology at Tehran IslamicAzad University, South Branch (Iran).

Materials & Methods: The present study was descriptive, and its statistical population included all master's degree psychology students studying in 2020–2021 at the Tehran Islamic Azad University, South Branch. The sampling method was non-random and available, and the sample size included 133 master's degree psychology students. This study collected data using the Revised Practical Obsessive-Compulsive Disorder instrument, the Self-Fear tool and, the Adult Attachment Styles Scale. The correlation method and SPSS V.24 software were used to analyze the data.

Results: Obsessive-compulsive disorder is associated with high scores in self-fear (0.55), avoidant attachment style (0.85), and anxious attachment style (0.71). This study's results showed that a secure attachment style (0.67) lowers the risk of having obsessive-compulsive disorder.

Conclusion: The mediating role of attachment styles in the relationship between self-fear and obsessive-compulsive symptoms can be recommended in research related to various symptoms and dimensions of obsession.

Keywords: Fear of self, attachment styles, obsessive-compulsive disorder

How to cite this paper: Jabari Nanava F, Raisi A. The Mediating Role of Attachment Styles in the Relationship Between Fear of Self- Obsessive Compulsive Symptoms. *Journal of Ilam University of Medical Sciences*. 2025;1(2):13-26.

[Downloaded from jpsi.medilam.ac.ir on 2026-11-02]

© The Author(s) Journal of Psychological Injurie. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/) which permits copy and redistributethe material just in noncommercial usages, provided the original work is properly cite.

نقش واسطه‌ای سبک‌های دل‌بستگی در رابطهٔ میان ترس از خود با نشانگان وسواس فکری عملی

فرحناز جباری نانوا [۱]، ابوالقاسم رئیسی [*۱]

[۱] گروه روان‌شناسی بالینی، دانشکدهٔ روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران، تهران، ایران

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۱۳

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۲/۰۹/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۳۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۰/۲۹

نویسنده مسئول:
ابوالقاسم رئیسی
گروه روان‌شناسی بالینی، دانشکدهٔ روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران، تهران، ایران

Email:
jabarifarnaz1354@gmail.com

چکیده

مقدمه: در تعریف نشانگان وسواس فکری عملی، سبک‌های دل‌بستگی و ترس از خود واژه‌های مهمی هستند؛ به این معنی که فرد با سبک‌های دل‌بستگی ناایمن، افکار مزاحم و باورها را قابل‌توجه و تهدیدآمیز تفسیر می‌کند، بازنمایی‌های درونی را با واقعیت مرتبط می‌داند، آن را به چالش می‌کشد و ترس از خود نمود پیدا می‌کند و دچار اشتباه می‌شود که در ایجاد و تداوم نشانگان وسواس فکری عملی دیده‌شده است. هدف پژوهش حاضر بررسی نقش واسطه‌ای سبک‌های دل‌بستگی در رابطهٔ میان ترس از خود با نشانگان وسواس فکری عملی در دانشجویان کارشناسی ارشد روان‌شناسی دانشگاه آزاد تهران جنوب بود.

مواد و روش‌ها: پژوهش حاضر از نوع توصیفی است. جامعهٔ آماری پژوهش دربرگیرندهٔ همهٔ دانشجویان روان‌شناسی کارشناسی ارشد مشغول به تحصیل در سال ۱۴۰۱- ۱۳۹۹ در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران‌جنوب بود. روش نمونه‌گیری غیر تصادفی و در دسترس و حجم نمونه شامل ۱۳۳ نفر از دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد روان‌شناسی بود. برای جمع‌آوری داده‌ها در این پژوهش، از سیاههٔ تجدیدنظر شده نشانگان وسواس فکری عملی و پرسش‌نامهٔ ترس از خود و مقیاس سبک‌های دل‌بستگی بزرگ‌سالان استفاده شد. برای تحلیل داده‌ها از روش همبستگی و نرم‌افزار SPSS vol.24 استفاده گردید.

یافته‌های پژوهش: ضرایب ساختاری به‌دست‌آمده در این پژوهش نشان داد که الگویی از نمره‌های بالا در سبک دل‌بستگی اجتنابی (۰/۸۵)، سبک دل‌بستگی اضطرابی (۰/۷۱) و ترس از خود (۰/۵۵) با نشانگان وسواس فکری عملی همبستگی دارند؛ بنابراین، یافته‌های این پژوهش نشان داد که سبک دل‌بستگی ایمن (۰/۶۷) احتمال نشانگان وسواس فکری عملی را کاهش می‌دهد.

بحث و نتیجه‌گیری: با بیان نتایج پژوهش، نقش واسطه‌ای سبک‌های دل‌بستگی در رابطهٔ میان ترس از خود با نشانگان وسواس فکری عملی می‌توان کاربرد آن را در پژوهش‌های مرتبط با علائم و ابعاد مختلف وسواس توصیه کرد.

واژه‌های کلیدی: ترس از خود، سبک‌های دل‌بستگی، نشانگان وسواس فکری عملی

استناد: جباری نانوا فرحناز، رئیسی ابوالقاسم. نقش واسطه‌ای سبک‌های دل‌بستگی در رابطهٔ میان ترس از خود با نشانگان وسواس فکری عملی. *مجله دانشگاه علوم پزشکی ایلام*، دی ۱۴۰۳؛ ۱(۲) : ۲۶-۱۲.

[Downloaded from jpsi.medilam.ac.ir on 2026-11-02]

CC BY NC

حق‌مؤلف © نویسندگان

مقدمه

اختلال‌های وسواس فکری عملی (Obsessive، Compulsive disorder) چهارمین اختلال شایع در جهان پس از فوبیا و مواد و افسردگی به‌شمار می‌آید، شیوع آن در زنان بیشتر از مردان گزارش‌شده است و سن شروع اختلال در سنین پایین و شیوع مادام‌العمر وسواس در جهان ۲ تا ۳ در صد است (۱). آردما و اوکانر نشانگان وسواس فکری عملی را مجموعه‌ای از افکار و اعمال تکراری و غیرعقلانی می‌دانند که فرد بر اساس قواعد انعطاف‌ناپذیر درونی و با تصور کنترل برای کاهش فشار روانی و اجتناب از برخی از رویدادها به آن‌ها مبادرت می‌ورزد (۲). یافته‌های جدید شناختی-رفتاری‌ها وسواس‌های بالینی را از جنبه‌های مختلف، انعکاسی از تصویر بالینی شدتیافتهٔ افکار مزاحم ناخواسته معرفی کرده‌اند (۳). در سال‌های اخیر، بر افکار مزاحم ناخواسته و بازنمایی‌های درونی و پیامدهای آن تأکید شده است و دریافته‌اند که فرهنگ تأثیر اندکی بر ویژگی‌های علائم وسواس فکری عملی دارد (۴). در گذشته، علت رشد و حفظ اختلال و نشانگان وسواس فکری عملی را تحریف‌های شناختی و باورها می‌دانستند (۵)؛ اما امروزه افکار مزاحم را به‌عنوان محرک شناختی و تفکرات خودآیند منفی را به‌عنوان پاسخ‌های شناختی رفتاری فرض کرده‌اند که هیجان‌ها و رفتارهای اجباری شخص باعث ماندگاری باورهای ناکارآمد می‌شود و به تشدید و طولانی‌تر شدن افکار مزاحم منجر می‌گردد که موجب ارتباط میان باورها با نشانگان وسواس فکری عملی می‌شود (۶). اخیراً در پژوهش‌های شناختی رفتاری دریافته‌اند که ابعاد خود آسیب‌پذیر در بازنمایی‌های درونی فرد مانند ترس از خود و سبک‌های دل‌بستگی، به‌صورت الگوهای خاصی از خود، دیگران و جهان نمود دارد و در میان افراد مبتلا به نشانگان وسواس فکری-عملی ایجاد رنج می‌کند و باورهای مربوط به خود، دیگران و جهان فرد وسواسی را پیش‌بینی می‌نماید (۷). نظریهٔ «خودهای ممکن» محتوای افکار مزاحم را به‌طور مستقیم با ترس از خود مرتبط می‌داند و آن را آشکارکنندهٔ جنبه‌های پنهان و منفی و ترسناک خود فرد برمی‌شمارد و ارزیابی خود فرد را در برمی‌گیرد (۸). ترس از خود مفهومی است که به‌عنوان مجموعه‌ای از ویژگی‌های شناختی رفتاری، بر شک بیمارگونه فرد از خود تعریف می‌شود که فرد نمی‌خواهد به آن‌ها تبدیل گردد یا نگرانی دارد که ممکن است در حال حاضر باشد (۹) و به یک بد ترسناک اشاره می‌کند؛ مانند باورهای مربوط به خود طردشده یا خودی که ناموفق است و او را به رفتارهای اجبارگونهٔ وسواسی وادار می‌نماید که می‌تواند جهان فرد وسواسی را پیش‌بینی کند (۱۰).

۱۹ درصد از تغییرات رفتارهای اجباری و ۳۶ درصد از تغییرات افکار وسواسی توسط ترس از خود تبیین می‌شود (۱۱). فرد از دیدگاه خودش افکار را قابل‌توجه و تهدیدآمیز تفسیر می‌کند که هیچ پایه و اساسی در واقعیت ندارد و باعث دوگانگی شناختی در فرد می‌گردد و نسبت به آن عمل می‌کند که در ایجاد و تداوم نشانگان وسواس فکری عملی مشهود است. درون و دیگران با مشاهدهٔ نفوذهایی که محتوای مربوط به خود ترسناک را دارند، استدلال کردند که نفوذها تصادفی نیستند (۱۲)، بلکه از باورهای خاص مربوط به آن سرچشمه می‌گیرند که با ادعای سالکوسکیس مبنی بر اینکه نفوذها به‌طور تصادفی در ذهن ظاهر می‌شوند، مغایرت دارد و آن را رد می‌کند (۱۳). به‌هرحال، اغلب فعالیت‌های شناختی بر اساس عوامل فراشناختی هستند که لازم است که این فرایندها ارزیابی شوند؛ زیرا فاجعه‌بار تفسیر کردن محتوای افکار مزاحم به‌طور مستقیم با ترس از خود رابطه دارد (۱۴). یک پژوهش فراتحلیل از ۹۹ مقاله دربارهٔ عوامل مرتبط با خود بر علائم وسواس فکری عملی نشان داد که خود (Self) از نظر اخلاقی، نقص یا ترس دارد و در بروز نگرانی‌های وسواسی با رفتارهای اجباری مرتبط است (۱۳, ۱۵, ۱۶)آردما و دیگران نفوذها را همان ترس از خود معرفی کردند و همچنین ترس از خود را علت ایجاد نفوذها دانستند؛ یعنی نفوذها هم ایجادشونده و هم ایجادکنندهٔ نشانگان وسواس فکری عملی هستند که ناشی از بی‌اعتمادی خود فرد به آن‌گونه که هست، است و به حملات وسواس منجر می‌شود و فرد مبتلا به نشانگان وسواس فکری عملی بازنمایی‌های درونی را با واقعیت مرتبط می‌داند و آن را به چالش می‌کشد و ترس از

[Downloaded from jpsi.medilam.ac.ir on 2026-11-02]

خود نمود می‌یابد و دچار اشتباه می‌گردد (۱۷-۱۹)بالبی موضوع نظریه‌های سبک‌های دل‌بستگی را در ارتباط با بازنمایی‌های درونی فرد با نشانگان وسواس فکری عملی مطرح کرد (۲۰). سبک‌های دل‌بستگی را به سه الگوی متمایز طبقه‌بندی کرده‌اند که عمدتاً بر اساس گرمی و پاسخ‌دهی مراقبتی صورت گرفته است و شامل سبک دل‌بستگی ایمن، سبک دل‌بستگی اجتنابی و سبک دل‌بستگی اضطرابی یا دوسوگرا است(۱۰, ۲۱, ۲۲) ارتباط نیرومندی میان سبک‌های دل‌بستگی ناایمن بزرگ‌سالان و شاخص‌های وسیعی از ناسازگاری‌های روان‌شناختی و خودهای آسیب‌زا با نشانگان وسواس فکری عملی وجود دارد(۲۳). اثر روابط عاطفی میان کودک در حال رشد و مادر یا مراقبان اولیه که از ابتدای تولد ایجاد می‌شود، تنها محدود به دوران کودکی نیست، بلکه همهٔ دوره‌های زندگی و در طول عمر حتی دورهٔ سالمندی، به‌سبب تفاوت‌های فردی تداوم می‌یابد(۲۴). تجارب اولیهٔ مناسب در زمینهٔ سبک دل‌بستگی ایمن که در اثر وجود والدینی حساس و پاسخ‌ده ایجاد می‌شود، سبب احساس ایمنی و حمایت در افراد می‌گردد و موجبات تمایل به ایجاد ارتباط صمیمانه و مثبت با دیگران را فراهم می‌کند و از بروز اختلال‌های روانی ازجمله اختلال و نشانگان وسواس فکری عملی در بزرگ‌سالی جلوگیری می‌نماید(۲۲-۲۴). فرد در سبک دل‌بستگی اجتنابی و دوسوگرا یا اضطرابی با مراقبانی سرد، طردکننده یا بی‌ثبات و غیرمتعارف و بدون حمایت مواجه است و نتیجهٔ آن افزایش احساس خوداتکایی یا وابستگی شدید یا انحصارطلبی فرد نسبت به دیگران است (۲۵). نداشتن اعتماد به خود نیز با تحلیل بنیان‌های درونروانی باعث مواجههٔ نامطلوب با موقعیت‌های تنیدگیزا، استیصال و درماندگی روان‌شناختی می‌شود و ترس را به فردی که سبک دل‌بستگی ناایمن دارد، تحمیل می‌کند و تمسک او را به سبک‌های دفاعی رشد نایافته و نوروتیک سوق می‌دهد (۱۰, ۲۶) و موجب آسیب‌پذیری فرد در برابر اختلال‌های روانی ازجمله نشانگان وسواس فکری عملی می‌گردد (۱۵, ۲۷). برای یافتن ارتباط نشانگان وسواس فکری عملی با سبک‌های دل‌بستگی می‌توان به شناسایی عوامل پیش‌آگهی مانند سن شروع و شدت و مزمن بودن وسواس و نوع سبک‌های دل‌بستگی توجه کرد؛ زیرا موجب ماندگاری و ایجاد نشانگان وسواس فکری عملی می‌شوند (۲۷، ۲۵، ۲۱، ۱۷). در گونه‌های شناختی کلاسیک، درمان اختلال وسواسی فکری عملی را پیشینهٔ باورهای ناکارآمد (مسئولیت‌پذیری افراطی) می‌دانستند (۱۵، ۹)، درحالی که امروزه تعداد فراوانی از پژوهش‌ها به رابطهٔ میان آسیب‌پذیری‌های خود و سبک‌های دل‌بستگی بزرگ‌سالان پرداخته‌اند و آن را در ایجاد و حفظ نشانگان وسواس فکری عملی بیان کرده‌اند (۲۵، ۲۳، ۲۱) و بر این باورند که ادراک فرد از خود و جهان‌بینی وی ممکن است پژوهشگران را به درک گسترده‌تری از تحول و استمرار نشانگان اختلال وسواس فکری عملی سوق دهد(۲۳, ۲۸). بنابراین، همسو با هدف پژوهش حاضر، این سؤال مطرح است: آیا سبک‌های دل‌بستگی در رابطهٔ میان ترس از خود با نشانگان وسواس فکری عملی نقش واسطه‌ای دارد؟

مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر توصیفی و از نوع همبستگی با رویکرد مدلیابی معادلات ساختاری بود و جامعهٔ آماری آن را همهٔ دانشجویان ارشد روان‌شناسی مقطع کارشناس ارشد روان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهرانجنوب مجتمع ولیعصر با هر گرایشی تشکیل می‌دادند. برای انتخاب نمونه از روش نمونه‌گیری غیرتصادفی در دسترس و برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسش‌نامهٔ اینترنتی استفاده گردید. ۱۳۳ پرسش‌نامه واجد ملاک‌های لازم برای تجزیه‌وتحلیل تشخیص داده شدند که از این تعداد ۱۱۲ نفر زن (۸۴/۲ درصد از کل آزمودنی‌ها) و ۲۱ نفر مرد (۱۵/۸ درصد از کل آزمودنی‌ها) با میانگین سنی (۳۴/۵۱) بین ۲۲ تا ۶۴ سال و میانهٔ سنی ۳۳ سال و واریانس ۱۰۹/۹۹۴ و چولگی ۰/۲۱ درصد و انحراف معیار ۱۰/۴۸۶ درصد و ۶۵ نفر مجرد (۴۸/۹ درصد از کل آزمودنی‌ها) و ۶۶ نفر متأهل (۴۹/۶ درصد از کل آزمودنی‌ها) و ۲ نفر مطلقه (۱/۵ درصد) بودند و بیوه نداشتند (۰). طبیعی بودن متغیرها توسط آزمون خیدو و آزمون t و نمودار QQ-P از لحاظ آماری در سطح پایین‌تر از ۰/۰۵ معنادار شد. حجم نمونه بر اساس نظر کلاین برای تحلیل مسیر

[Downloaded from jpsi.medilam.ac.ir on 2026-11-02]

و مدل‌سازی، به ازای هر مؤلفه ۵ تا ۱۵ شرکت‌کننده در نظر گرفته شد که مطابق با اظهارات جیمز استیونس به نقل از هومن، در نظر گرفتن ۱۵ نمونه برای هر متغیر پیش‌بین در تحلیل رگرسیون چندگانه مناسب بود. با در نظر گرفتن این دیدگاه و با توجه به اینکه در پژوهش حاضر ۶۷ مؤلفه وجود داشت، حجم نمونهٔ مورد نیاز ۲۰۱ نفر می‌شد؛ اما با در نظر گرفتن پرسش‌نامهٔ اینترنتی و مشارکت نکردن دانشجویان و محدودیت پاسخ‌دهندگان، به ۱۳۳ نمونه تقلیل یافت. ملاحظات اخلاقی این پژوهش شامل رضایت آگاهانه برای شرکت در پژوهش و تأکید بر محرمانه ماندن اطلاعات و اجتناب از آسیب رساندن به شرکت‌کنندگان بود. برای گردآوری داده‌ها از سه پرسش‌نامه استفاده گردید که عبارت بودند از:

پرسش‌نامهٔ ترس از خود (Fear of self): این پرسش‌نامه یک مقیاس ۲۰ سؤالی تکعاملی است که در ارتباط با ابعاد اختلال و نشانگان وسواس تأیید شده است. بیشترین بار عاملی نیز متعلق به گویهٔ شماره ۱۰ معادل ۷۷ /۰ و پایین‌ترین بار عاملی متعلق به گویهٔ شماره ۱۲ معادل ۰/۵۰ است. پاسخ به سؤالات به شکل طیف لیکرت ۷ درجه‌ای است که شامل «کاملاً مخالفم=۱» تا «کاملاً موافقم=۷» است (۷). همسانی درونی نمرهٔ کل این پرسشنامه در کانادا، استرالیا و ایتالیا ۰/۸۹ و پایایی ابزار با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ابزار ۰/۹۷ بهدست آمد (۷). در پژوهش قاسمی و دیگران، همسانی درونی نمرهٔ کل ۰/۸۵ و پایایی ابزار با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۴ بهدست آمد و مقدار آلفای کرونباخ پرسش‌نامهٔ ترس از خود در پژوهش حاضر برابر ۰/۷۵ بود (۲). نمرات بالاتر در این پرسش‌نامه نشان‌دهندهٔ احتمال حضور بیشتر ترس از خود در فرد است.

سیاههٔ تجدیدنظرشدهٔ نشانگان فکری عملی: این سیاهه ۱۸ سؤالی است که شش عامل اختلال وسواس فکری عملی را ارزیابی می‌کند و شامل شست‌وشو (Washing) (۱۷، ۱۱، ۵)، چک کردن و وارسی کردن (checking) (۱۴، ۸، ۲)، نظم و ترتیبدهی (Ritual) (۱۵، ۹، ۳)، تردید وسواس فکری (Hesitation) (۱۸، ۱۲، ۶)، احتکار کردن (Hoarding) (۱۳، ۷، ۱) و خنثی‌سازی ذهنی (Neutralization) (۱۶، ۱۰، ۴) است و هرکدام به‌طور مساوی سه ماده دارد (۹). همسانی درونی نمرهٔ کل و خرده‌مقیاس‌های این سیاهه را برای شست‌وشو ۰/۸۸، وارسی کردن ۰/۸۹، احتکار کردن ۰/۷۹، خنثی‌سازی ۰/۷۸، وسواس فکری ۰/۸۵ و نظمدهی ۰/۸۸ گزارش‌شده است و پاسخ به سؤالات به شکل طیف لیکرت ۵ درجه‌ای است که شامل «به‌هیچ‌وجه =۰» تا «خیلی زیاد =۴» است (۹). اعتبار بازآزمایی این پرسش‌نامه را ۰/۸۲ گزارش کرده‌اند که اعتبار بازآزمایی این سیاهه برای کل مقیاس‌ها ۰/۸۵ گزارش‌شده است. پایایی ابزار با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۱ است (۲۹). میانگین نمرات به‌دست‌آمده در افراد مبتلا به اختلال وسواس فکری عملی ۲۸ است؛ اما با وجود این، نمرهٔ برش پیشنهادشده ۲۱ در نظر گرفته‌شده است (۲۶) و نمرهٔ بالاتر از نمرهٔ برش نشان‌دهندهٔ احتمال حضور بیشتر نشانه‌های وسواس فکری عملی در فرد است (۹). روایی همگرای این ابزار با نسخهٔ اصلی سیاههٔ وسواس فکری- عملی ۰/۹۸ گزارش گردید (۹). در پژوهش محمدی، زمانی و فتی، همسانی درونی نمرهٔ کل و خرده‌مقیاس‌های این سیاهه برای شست‌وشو ۰/۶۹، وارسی کردن ۰/۶۶، احتکار کردن ۰/۶۳، خنثی‌سازی ۰/۵۰، وسواس فکری ۰/۷۲ و نظمدهی ۰/۶۹ گزارش‌شده است (۴). مقدار آلفای کرونباخ نشانگان وسواس فکری عملی در پژوهش حاضر برابر با ۰/۸۵ به‌دست آمد که نمره‌های بالا در خرده‌مقیاس‌ها نشان‌دهندهٔ آسیب در آن خرده‌مقیاس است.

مقیاس سبک‌های دل‌بستگی: این مقیاس ۱۵ سؤالی است که با سه زیرمقیاس سبک دل‌بستگی ایمن (۱۳، ۱۰، ۷، ۴، ۱)، سبک دل‌بستگی اجتنابی (۱۴، ۱۱، ۸، ۵، ۲) و سبک دل‌بستگی اضطرابی/ دوسوگرا (۱۵، ۱۲، ۹، ۶، ۳) است که پاسخ به سؤالات به شکل طیف لیکرت ۵ درجه‌ای است که از «خیلی کم=۱» تا «خیلی زیاد=۵» است. همسانی درونی نمرهٔ کل خرده‌مقیاس‌های این مقیاس برای سبک دل‌بستگی ایمن ۰/۸۰ و سبک دل‌بستگی اجتنابی ۶۱ /۰ و سبک دل‌بستگی اضطرابی ۰/۵۷ گزارش‌شده است (۷). پایایی ابزار با استفاده از ضرایب آلفای کرونباخ برای کل آزمودنی‌ها به‌ترتیب

[Downloaded from jpsi.medilam.ac.ir on 2026-11-02]

زیرگروه مقیاس سبک دل‌بستگی ایمن ۰/۸۰، سبک دل‌بستگی اجتنابی ۰/۶۱ و سبک دل‌بستگی دوسوگرا ۰/۵۷ محاسبه گردیده است و روش بازآزمایی پرسشهای مقیاس سبکهای دل‌بستگی ایمن و ناایمن را اعتباریابی کردند و آلفای کرونباخ آن را بین ۸۱ / ۰ تا ۰/۷۸ به‌دست آوردند (۷). در پژوهش بشارت، پایایی ابزار با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ هریک از سبک‌های دل‌بستگی ایمن ۰/۷۴، دل‌بستگی اجتنابی ۰/۷۲ و دل‌بستگی دوسوگرا ۰/۷۲ و برای دانشجویان دختر به‌ترتیب ۰/۷۴، ۰/۷۱ و ۰/۶۹ و برای دانشجویان پسر ۰/۷۳، ۷۱ /۰ و ۰/۷۲ بود که نشانهٔ همسانی درونی خوب مقیاس دل‌بستگی بزرگ‌سالان است. اعتبار بازآزمایی مقیاس دل‌بستگی بزرگ‌سالان با استفاده از آلفای کرونباخ برای یک نمونهٔ ۳۰ نفری در دو نوبت با فاصله ۲ هفته، برای کل آزمودنی‌ها ۰/۹۲، آزمودنی‌های پسر ۰/۹۳ و آزمودنی‌های دختر ۰/۹۰ گزارش شد (۲۶). در همسانی درونی (اعتبار محتوایی) مقیاس دل‌بستگی بزرگ‌سالان، ضرایب همبستگی ایمن از ۰/۷۳ تا ۰/۷۶، برای سبک دل‌بستگی اجتنابی از ۰/۶۰ تا ۰/۷۶ و برای سبک ناایمن اضطرابی (دوسوگرا) از ۰/۶۳ تا ۰/۷۸ محاسبه گردید که همگی در سطح پایایی ابزار در سطح آلفای کرونباخ ۰/۶۴ محاسبه شد. نمرهٔ بالاتر نشان‌دهندهٔ احتمال حضور بیشتر سبک‌های دل‌بستگی ایمن و ناایمن در فرد است (۱۰، ۷).

تحلیل داده‌ها در این پژوهش با استفاده از آزمون تحلیل مسیر و تجزیه‌وتحلیل داده‌ها به کمک نرم‌افزارهای آماری SPSS vol.24 و AIMOS انجام گردید. آزمون‌های آماری بر اساس ماهیت داده‌ها و هدف پژوهش در دو بخش یافته‌های توصیفی فراوانی، درصد فراوانی، درصد کشیدگی و نمودار تحلیلی تنظیم شد. در یافته‌های توصیفی، اطلاعات فردی پاسخگویان بررسی گردید و برای بررسی روابط میان متغیرها از تحلیل مسیر استفاده گردید.

نتایج

پژوهش حاضر شامل ۱۳۳ دانشجوی روان‌شناسی (۱۱۲ زن و ۲۱ مرد) در مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهرانجنوب با دامنهٔ سنی ۶۴-۲۲ سال است. میانگین و انحراف معیار سن دانشجویان در جدول شمارهٔ ۱ آورده‌شده است.

جدول شماره ۱. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی

متغیرها	زن (N=112)	مرد (N=21)	کل (N=133)
وضعیت تأهل	فراوانی (درصد)	فراوانی (درصد)	فراوانی (درصد)
مجرد	۵۱ (۰/۵)	۱۴ (۰/۶۵)	۶۵ (۴۸/۹)
متأهل	۶۰ (۰/۵۳)	۶ (۰/۲۸)	۶۶ (۴۹/۶)
مطلقه	۱ (۰/۰۰۸)	۱ (۰/۰۴۷)	۲ (۱/۵)
بیوه	۰ (۰/۰۰)	۰ (۰/۰۰)	۰ (۰/۰۰)
کل	۱۱۲ (۸۴/۲)	۲۱ (۱۵/۸)	۱۳۳ (۱۰۰)

با توجه به جدول شمارهٔ ۱، میانگین سنی افراد (۳۴/۵۱) با انحراف معیار ۱۰/۴۸۶، ۶۶ نفر متأهل (۴۹/۶ درصد) و ۲ نفر مطلقه (۱/۵ درصد) است. جدول شمارهٔ ۲ خلاصه یافته‌های آمار توصیفی (میانگین، انحراف معیار، کمینه، بیشینه و چولگی) متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد که شامل ترس از خود و نشانگان وسواس فکری عملی و سبک دل‌بستگی ایمن، سبک دل‌بستگی اجتنابی و سبک دل‌بستگی اضطرابی است..

جدول شماره ۲. خلاصهٔ یافته‌های آمار توصیفی ترس از خود و نشانگان وسواس فکری عملی و سبک دل‌بستگی ایمن، سبک دل‌بستگی اجتنابی و سبک دل‌بستگی اضطرابی یا دوسوگرا

[Downloaded from jpsi.medilam.ac.ir on 2026-11-02]

متغیرها	M (میانگین)	SD (انحراف معیار)	Min (کمینه)	Max (بیشینه)	Skewness (کجی)	چولگی
نشانگان وسواس فکری عملی	۱۷/۵۹	۱۳/۴۳	۰	۳/۰۶	۰/۹۶۲	۰/۲۱۰
ترس از خود	۰/۱۸	۰/۲۰۷	۰/۱۵	۰/۲۴	۰/۳	۰/۲۱۱
سبک دل‌بستگی اضطرابی	۲/۴۰	۰/۷۵	۱/۰۰	۵	۰/۵۶	۰/۲۱۰
سبک دل‌بستگی ایمن	۲/۸	۰/۵۸	۱/۰۰	۴/۴۰	−۰/۱۳۸	۰/۲۱۰
سبک دل‌بستگی اجتنابی	۲/۵۱	۰/۷۳	۱/۰۰	۴/۸۰	۰/۳۷۸	۰/۲۱۰

همان‌گونه که مندرجات جدول شمارهٔ ۲ نشان می‌دهد، میانگین (انحراف معیار) نمره‌های دانشجویان در نشانگان وسواس فکری عملی ۱۷/۵۹ (۱۳/۴۳)، ترس از خود ۰/۱۸ (۰/۲۰۷)، سبک دل‌بستگی اضطرابی ۲/۴۰ (۰/۷۵)، سبک دل‌بستگی ایمن ۲/۸ (۰/۵۸) و سبک دل‌بستگی اجتنابی ۲/۵۱ (۰/۷۳) است. جدول شمارهٔ ۳ ماتریس همبستگی میان متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۳. ضرایب همبستگی نشانگان وسواس فکری عملی، ترس از خود و سبک‌های دل‌بستگی

متغیرها	نشانگان وسواس	ترس از خود	سبک دل‌بستگی ایمن	سبک دل‌بستگی اجتنابی	سبک دل‌بستگی اضطرابی
نشانگان وسواس فکری عملی	–				
ترس از خود	۰/ ۶۱۵	–			
سبک دل‌بستگی ایمن	−۰/۰۶۲	− ۰/۱۲۳	–		
سبک دل‌بستگی اجتنابی	۰/۲۸۲	۰/۳۶۲	−۰/۵۴۳	–	
سبک دل‌بستگی اضطرابی	۰/۳۵۸	۰/۴۷۵	−۰/۲۳۲	۰/۴۵	–

با توجه به نتایج جدول شمارهٔ ۳، ارتباط میان نشانگان وسواس فکری عملی با ترس از خود (۰/۶۱۵)، سبک دل‌بستگی ایمن (۰/۰۶۲)، سبک دل‌بستگی اجتنابی (۰/۲۸۲) و سبک دل‌بستگی اضطرابی (۰/۳۵۸) و روابط میان ترس از خود با سبک دل‌بستگی ایمن (۰/۱۲۳−)، سبک دل‌بستگی اجتنابی (۰/۳۶۲) و سبک دل‌بستگی اضطرابی (۰/۴۷۵) و رابطهٔ میان سبک دل‌بستگی ایمن با سبک دل‌بستگی اجتنابی (۰/۵۴۳−) و سبک دل‌بستگی اضطرابی (۰/۲۳۲−) و رابطهٔ میان سبک دل‌بستگی اجتنابی با سبک دل‌بستگی اضطرابی (۰/۴۵) در سطح مدنظر ($P<0.05$) معنی‌دار است.

در پژوهش حاضر، برای آزمون فرضیهٔ پژوهش مبنی بر اینکه «سبک‌های دل‌بستگی در رابطهٔ میان ترس از خود با نشانگان وسواس فکری عملی نقش واسطه‌ای دارد»، از آزمون تحلیل مسیر استفاده شد. پیش از اجرای این آزمون، از برقراری مفروضه‌های اساسی آن (حجم نمونه، بهنجاری توزیع داده‌ها، داده‌های پرت، آزمون کرویت و هم‌خطی چندگانه) اطمینان حاصل گردید. ترس از خود به‌عنوان برون‌زا، نشانگان وسواس فکری عملی درون‌زا و سبک‌های دل‌بستگی واسطه‌ای در نظر گرفته شد. حداقل سطح معنی‌داری قابل‌قبول برای تحلیل داده‌ها برابر با $P<0.05$ است. جدول شمارهٔ ۴ نتایج تحلیل مسیر را نشان می‌دهد.

جدول شماره ٤. نتایج تحلیل مسیر

[Downloaded from jpsi.medilam.ac.ir on 2026-11-02]

	برآورد تخمین استانداردشده (ضرایب رگرسیون)	خطای استاندارد SE	مقدار بحرانی C.R	مقدار P
ترس از خود- سبک دل‌بستگی ایمن	-۳/۳۸	۲/۴۳	-۱/۳۹۲	۰/۱۶۴
ترس از خود- سبک دل‌بستگی اجتنابی	۱۰/۶۸	۲/۴۴	۱۰/۶۸	۰*
سبک دل‌بستگی ایمن– سبک دل‌بستگی اجتنابی	-۰/۶۴	۰/۰۸۷	۰/۶۴	۰*
ترس از خود – سبک دل‌بستگی اضطرابی	۱۳/۰۲	۲/۸۰	۱۲	۰*
سبک دل‌بستگی اجتنابی - سبک دل‌بستگی اضطرابی	۰/۳۲۶	۰/۰۷۹	۴/۱۲۸	۰*
ترس از خود – نشانگان وسواس فکری عملی	۲۰/۰۱۱	۲/۸۵۶	۷/۰۰۷	۰*
سبک دل‌بستگی اضطرابی - نشانگان وسواس فکری عملی	۰/۷۱	۰/۸۲	۰/۸۶۳	۰/۳۸۸
سبک دل‌بستگی اجتنابی - نشانگان وسواس فکری عملی	۰/۰۸۶	۰/۰۹۲	۰/۹۳۷	۰/۳۴۹
سبک دل‌بستگی ایمن – نشانگان وسواس فکری عملی	۰/۰۸۶	۰/۱۰۴	۰/۸۲۵	۰/۴۰۹

همان‌طور که در جدول شمارهٔ ۴ مشاهده می‌شود، نتایج آزمون تحلیل مسیرهای مدل ارائه‌شده نشان می‌دهد که اثر مستقیم ترس از خود بر سبک دل‌بستگی ایمن (-۳۲۰/۳۸= ß¬، 39/1- C. R=) به‌صورت منفی معنادار شد و اثر مستقیم ترس از خود بر سبک دل‌بستگی اجتنابی (۱۰۲۰/۶۸=ß¬، 68 =/10C. R) و سبک دل‌بستگی اضطرابی (۱۳۲۰/۰۲=ß¬، =00/12C. R) و نشانگان وسواس فکری عملی (۲۰/۰۱۱=ß¬، =007/7C. R) به‌صورت مثبت معنادار شده است و اثر مستقیم سبک دل‌بستگی ایمن (۰/۰۸۶=ß¬، =825/0 C. R) و سبک دل‌بستگی اجتنابی (۰/۰۸۶=ß¬، =937/0C. R) و سبک دل‌بستگی اضطرابی (۰/۷۱=ß¬، =863/0C. R) بر نشانگان وسواس فکری عملی به‌صورت مثبت معنادار شده‌اند (P<0.05) و نتایج فرضیه‌های مربوط به روابط علی میان متغیرها ارتباط معناداری را نشان داده است (P<0.05). از لحاظ آماری در پژوهش حاضر، برای تعیین رابطه علی میان متغیرها از روش تحلیل مسیر (اثر کل) استفاده گردیده که در جدول شمارهٔ ۵ برآورد شده است.

جدول شماره ۵. تحلیل مسیر، ضرایب استاندارد کل، مستقیم و غیرمستقیم در الگو

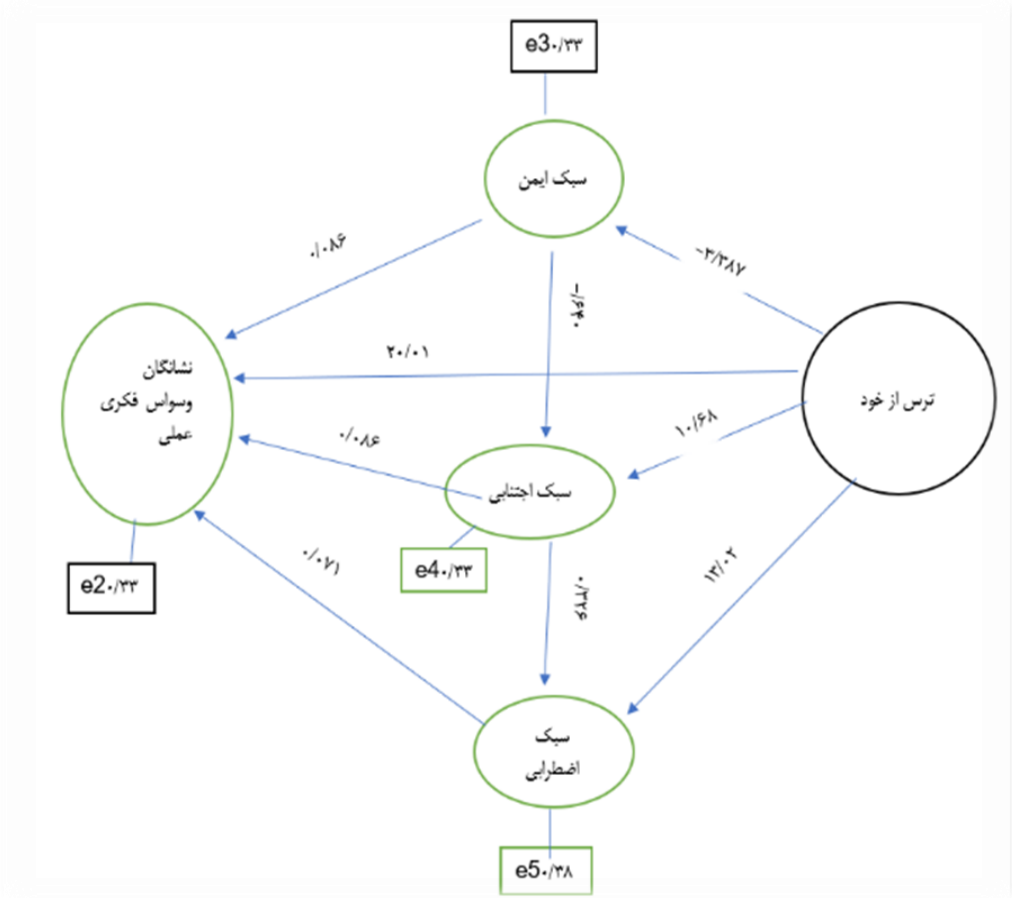
فرضیه‌ها (مسیرها)	اثر کل	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	واریانس تبیین‌شده
ترس از خود ← سبک دل‌بستگی ایمن	- ۳/۳۸۷	- ۳/۳۸۷	۰/۰۰۰	۰/۳۳
ترس از خود ← سبک دل‌بستگی اجتنابی	۱۲/۸۵۲	۰/۶۸۱	۲/ ۱۶۹	۰/۳۳

[Downloaded from jpsi.medilam.ac.ir on 2026-11-02]

ترس از خود ← سبک دل‌بستگی اضطرابی	۱۷/۲۰۴	۱۳/۰۲	۴/۱۸۵	۰/۳۸
ترس از خود ← نشانگان وسواس فکری عملی	۲۲/۰۴۴	۲۰ /۰۱	۲/۰۳۲	۰/۳۳
سبک دل‌بستگی ایمن ← سبک دل‌بستگی اجتنابی	-۰/۶۴۰	-۰/۶۴۰	۰/۰۰۰	
سبک دل‌بستگی ایمن ← سبک دل‌بستگی اضطرابی	-۰/۲۰۸	۰/۰۰۰	-۰/۲۰۸	
سبک دل‌بستگی ایمن ← شانگان وسواس فکری عملی	۰/۰۱۶	۰/۰۸۶	- ۰/۰۷۰	
سبک دل‌بستگی اجتنابی← سبک دل‌بستگی اضطرابی	۰/ ۳۲۶	۰/۰۰۰	۰/ ۳۲۶	
سبک دل‌بستگی اجتنابی ← نشانگان وسواس فکری عملی	۰/۱۰۹	۰/۰۸۶	۰/۰۲۳	
سبک دل‌بستگی اضطرابی ← نشانگان وسواس فکری عملی	۰/۰۷۱	۰/۰۷۱	۰/۰۰۰	

مندرجات جدول شمارهٔ ۵ نشان می‌دهد که در تابع اول به‌ترتیب اهمیت ضریب مسیر، ترس از خود یا نشانگان وسواس فکری عملی (اثر کل: ۲۲/۰۴۴)، سبک دل‌بستگی اضطرابی (اثر کل: ۱۷/۲۰۴) و سبک دل‌بستگی اجتنابی (۱۲/۸۵۲) سهم بالاتری در ترکیب خطی متغیرهای برون‌زا دارند. از سوی دیگر، در این تابع از میان متغیرهای واسطه‌ای به‌ترتیب اهمیت ضریب مسیر، سبک دل‌بستگی اجتنابی یا سبک دل‌بستگی اضطرابی (اثر کل: ۰/۳۲۶) و سبک دل‌بستگی اضطرابی با نشانگان وسواس فکری عملی (اثر کل: ۰/۰۷۱) سهم بالاتری در ترکیب خطی متغیر درون‌زا دارند؛ به‌بیان‌دیگر، در تابع اول نشانگان وسواس فکری عملی به‌وسیلهٔ ضریب مسیر ترس از خود با سبک دل‌بستگی اضطرابی و سبک دل‌بستگی اجتنابی درون‌زا می‌شود؛ همچنین ضریب تعیین متعارف ۳۳ و ۳۸ درصد است که مقدار واریانس مشترک میان دو مجموعهٔ متعارف متغیرهای برون‌زا و درون‌زا را تعیین می‌کند (نمودار شمارهٔ ۱).

[Downloaded from jpsi.medilam.ac.ir on 2026-11-02]



نمودار شماره ۱. الگوی مفهومی نقش واسطه‌ای سبک‌های دل‌بستگی در رابطهٔ میان ترس از خود یا نشانگان وسواس فکری عملی

بحث و نتیجه‌گیری

فوا (Fua A.) و دیگران نشانگان اختلال وسواس فکری عملی را شامل افکار مزاحم، آداب وسواسی اشتغالات ذهنی و وسواس‌های عملی و اجبارها تعریف کردند (۹). وسواس‌های عملی یا فکری ناراحتی فراوانی را برای فرد ایجاد می‌کنند و سبب اتلاف وقت می‌شوند و اختلال چشمگیری را در روند معمولی و طبیعی زندگی، کارکرد شغلی، فعالیت‌های معمول اجتماعی یا روابط فرد به‌وجود می‌آورند (۱۵-۱۳، ۹). بیمار مبتلا به اختلال وسواس ممکن است تنها وسواس فکری یا تنها وسواس عملی و یا هردوی آن‌ها را باهم داشته باشد. فرد وسواسی قادر به تشخیص این نکته است که وسواس‌های فکری محصول ذهن خود او هستند و از خارج تحمیل نمی‌شوند؛ اما چنانچه در مقابل عمل وسواسی مقاومت کند، دچار اضطراب بیشتر می‌گردد (۲۱، ۹، ۶). هدف پژوهش انجام‌شده نقش واسطه‌ای سبک‌های دل‌بستگی در رابطهٔ میان ترس از خود با نشانگان وسواس فکری عملی در دانشجویان بود. پژوهش‌های اندکی بر اساس رابطهٔ سبک‌های دل‌بستگی با ترس از خود بر نشانگان وسواس فکری عملی انجام‌شده است (۲۹، ۲۲، ۱۲). بنا بر هدف پژوهش، ضرایب ساختاری به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که الگویی از نمره‌های بالا در سبک‌های دل‌بستگی اجتنابی و سبک‌های دل‌بستگی اضطرابی و ترس از خود با نشانگان وسواس فکری عملی همبسته هستند (۲۵، ۲۱، ۱۲، ۴). بنا بر یافته‌های پژوهش، ترکیب سبک دل‌بستگی اجتنابی و سبک دل‌بستگی اضطرابی و ترس از خود پایین احتمال نشانگان وسواس فکری عملی را پایین می‌برد (۳۰، ۲۵، ۲).. در ارتباط با موضوع پژوهش می‌توان به پژوهش یانگ و دیگران و درون اشاره کرد که نتایج پژوهش آنان بدین قرار بود که نشانگان وسواس فکری عملی، به‌ویژه «افکار غیرقابل‌قبول» که همان افکار مزاحم ناخواسته هستند، با شرم و ترس از خود ارتباط مثبت دارد که هریک ممکن است توسط سازوکارهای

[Downloaded from jpsi.medilam.ac.ir on 2026-11-02]

دفاعی اجتنابی با انگیزهٔ اجتناب به‌قصد ایجاد منبع اطمینان (امن بودن) فعال شوند و موجب ترس از خود گردند (۱۲، ۱۱). بر اساس پژوهش‌های درون، سبک‌های دل‌بستگی ناایمن و ترس از خود با نشانگان وسواس فکری عملی رابطهٔ مثبت دارد و با افزایش سبک دل‌بستگی ایمن، اختلال وسواس فکری عملی فروکش می‌کند و با افزایش سبک دل‌بستگی ناایمن، اختلال وسواس فکری عملی اوج می‌گیرد و علائم آن افزایش می‌یابد که با یافته‌های پژوهش حاضر همخوان است (۱۲)(۲۹، ۲۵، ۱۲). هازن و شیور بیان کردند، تعاملات بین‌فردی در دوران کودکی فرد شکل می‌گیرد و سبک‌های دل‌بستگی ناایمن با میانجی‌گری سازوکارهای دفاعی و خودتنظیمی هیجانی و اضطراب رابطهٔ مثبت دارد و میان سبک دل‌بستگی ایمن با اختلال وسواس فکری عملی رابطهٔ منفی و معناداری برقرار است (۲۶، ۷). دربارهٔ روابط دل‌بستگی مادر- کودک، بالبی معتقد بود هنگامی‌که نوزاد ترس یا خطر را تجربه می‌کند، به دنبال مجاورت و نزدیک شدن به مراقبی می‌گردد که ایمنی و آسایش را برای او فراهم نماید که باعث ایجاد سبک‌های دل‌بستگی می‌شود که توان پیش‌بینی باورهای وسواسی را دارند (۲۰، ۱۹). در ارتباط با موضوع پژوهش می‌توان به پژوهش دوست محمدی و درون اشاره کرد که بدین قرار بود: سبک‌های ناایمن با نشانگان وسواس فکری عملی رابطهٔ مثبت داشت (۲۸، ۲۵، ۱۲)؛ ازاین‌رو می‌توان بر نقش سبک‌های دل‌بستگی بیمار مبتلا به وسواسی - اجباری و ایفای نقش پایگاه امن به‌منظور ایجاد احساس امنیت در وی تأکید کرد (۲۵، ۱۵). فاجعه‌بار تفسیر کردن محتوای افکار در سنین تفکر کودکی ـ که اغلب آشکارکنندهٔ جنبه‌های پنهان، منفی و ترسناک خود با سبک‌های دل‌بستگی است ـ و سبک‌های دل‌بستگی ناایمن به‌طور مستقیم با ترس از خود ارتباط مثبت دارد (۲۲، ۲۱، ۱۲، ۵). در پژوهش‌های فیتز و جرالد، سبک‌های دل‌بستگی ناایمن ارتباط منفی بر اختلال وسواس فکری عملی داشتند (۲۵). ونگ و دیگران افکار نفوذی را همان ترس از خود معرفی کرده‌اند که به‌نظر می‌رسد، راه مفیدی برای کنترل وسواس فکری عملی بر اساس محتوای موضوع نفوذهایی باشد که وجود دارند (۱۵، ۵). افراد مبتلا به نشانگان وسواس فکری عملی بازنمایی‌های درونی خود را با واقعیت مرتبط می‌دانند و آن را به چالش می‌کشند و دچار اشتباه می‌شوند (۱۵). در همین راستا بیان کردند که ترس از خود، به‌عنوان یک عامل آسیب‌زا، ارتباط مثبتی با اختلال و نشانگان وسواس فکری عملی دارد، به‌ویژه در حوزهٔ مذهبی، جنسی و پرخاشگری که با ایجاد سردرگمی استنباطی، موجب ترس افراد می‌شود و سبب می‌گردد که فرد احتمال وقوع فکر را با قصد و انگیزهٔ ارتکاب فکر اشتباه بگیرد و از هر روایت وسواسی شکل‌گرفته در ذهن بترسد و دچار اضطراب شود (۱۷). نتایج پژوهش‌های بارابی و دیگران (۲۰۲۱) نشان داده بود که میان تصورات سردرگمی‌های استنباطی و باورهای مرتبط با وسواس فکری عملی به‌طور متوالی با ترس از خود و علائم وسواس فکری عملی رابطهٔ مثبت و واسطه‌ای دارد که بدون ترس از خود، تأثیر آشفتگی استنتاجی بر علائم وسواس فکری عملی ممکن است کاهش یابد (۱۷)؛ همچنین با در نظر گرفتن واپس روی بیمار مبتلا به وسواسی- اجباری در استفاده از سازوکارهای دفاعی ناسالم این احتمال وجود دارد که با آموزش تکنیک‌های رشدیافتهٔ مقابله با ترس از خود به این بیماران، در چگونگی مقابله با موقعیت‌های استرس‌زا و بهبود بیماری آنان کمک کرد (۱۷، ۱۴، ۸). در تبیین یافته‌های بالا می‌توانیم بگوییم که سبک‌های دل‌بستگی از منابع درون فردی هستند که می‌توانند سطوح تنش و ناتوانی را در شرایط ناگوار تعدیل کنند و آثار منفی تنش را کم‌رنگ‌تر جلوه دهند (۲۳، ۲۲). سبک دل‌بستگی اجتنابی و سبک دل‌بستگی اضطرابی و ترس از خود آمادگی فرد را برای تجربهٔ نشانگان وسواس فکری عملی افزایش می‌دهد و سبک دل‌بستگی ایمن از بروز نشانگان وسواس فکری عملی می‌کاهد تا به فرد در حوزهٔ اختلالات اضطرابی کمک کند تا کارآمدتر ظاهر شود و موجب پیشرفت و تقویت فرد در روابط و عواطف اجتماعی گردد (۳۰). درنتیجه، سبک‌های دل‌بستگی در رابطهٔ میان ترس از خود با نشانگان وسواس فکری عملی، نقش واسطه‌ای دارد و فرض پژوهش تأیید می‌شود (۲۸).

گروه نمونهٔ پژوهش حاضر را دانشجویان ۲۲ تا ۶۴

[Downloaded from jpsi.medilam.ac.ir on 2026-11-02]

ساله تشکیل می‌دادند؛ ازاین‌رو، یافته‌های تحقیق حاضر قابل‌تعمیم به اقشار دیگر جامعه و گروه‌های سنی دیگر نیستند؛ بنابراین، انجام پژوهش بر جمعیت‌های غیردانشجویی می‌تواند تعمیم‌پذیری بیشتری را حاصل کند، به‌ویژه دربارهٔ نشانگان وسواس فکری عملی انجام پژوهش روی افراد واقع در اوایل دورهٔ نوجوانی (۱۵ تا ۱۸ ساله) ضروری به‌نظر می‌رسد. پژوهش حاضر از نوع همبستگی بود که در آن متغیرها غیرتصادفی و در دسترس بودند و بدون اینکه دست‌کاری یا کنترل شوند، پیش‌تر اثر خود را بر جای گذاشته بودند؛ بنابراین، امکان تبیین علی روابط مشاهده‌شده میان متغیرها وجود نداشت که می‌توان جزو محدودیت‌های پژوهش حاضر در نظر گرفت. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی، نقش ترس از خود و سبک‌های دل‌بستگی در ابتلا به نشانگان وسواس فکری عملی در طرح‌های طولی و در جمعیت‌های بالینی بررسی گردد؛ همچنین می‌توان در پژوهش‌های آینده، زیرمجموعه‌های نشانگان وسواس فکری عملی را در ارتباط با ترس از خود و سبک‌های دل‌بستگی بررسی کرد و کاربرد آن را در پژوهش‌های مرتبط با علائم و ابعاد مختلف وسواس توصیه نمود. پیشنهاد می‌شود، متغیر ترس از خود به‌عنوان نقش واسطه‌ای میان متغیرهای سبک‌های دل‌بستگی با نشانگان وسواس فکری عملی بررسی گردد. افراد با گرایش بالا به افکار وسواسی به علت نداشتن مهارت در مواجهه با رویدادهای تنش‌زا، نداشتن احساس چالش‌جویی و تعهد پایین، سبک دل‌بستگی ایمن پایین‌تری دارند؛ بنابراین، برگزاری کلاس‌های آموزشی با محوریت مهارت رویکرد شناختی رفتاری و مدیریت استرس و مهارت کنترل اضطراب با آموزش تکنیک‌های رشدیافتهٔ مقابله با اضطراب و چگونگی مقابله با موقعیت‌های استرس‌زا برای بهبودی افراد مبتلا به نشانگان وسواس فکری عملی مفید خواهد بود.

سپاس‌گزاری

بدین‌وسیله تشکر و قدردانی خود را از استاد بزرگوارم آقای دکتر ابوالقاسم رئیسی و همچنین سایر کارشناسان و دانشجویانی که به هر نحو ما را در طول انجام این مطالعه یاری کردند، اعلام می‌نمایم.

این مطالعه پس از تأیید کمیتهٔ پژوهشی دانشکدهٔ روان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران‌جنوب انجام‌شده است و برگرفته از پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد است.

تعارض منافع

نویسندگان اعلام می‌کنند که تضاد منافع خاصی برای اعلام وجود ندارد.

کد اخلاق

مطالعه حاضر در کمیته اخلاقی دانشگاه ازاد اسلامی واحد تهران جنوب با کد IR.IAU.CTB.REC.1402.O مورد تایید قرار گرفته است.

حمایت مالی

تحقیق حاضر بدون حمایت مالی از طرف هرگونه مؤسسه یا سازمانی و تنها به وسیله هزینه‌های شخصی نویسندگان صورت گرفته است.

مشارکت نویسندگان

فرحناز جباری نانوا نسخه اولیه مقاله و مراحل سابمیت، اصلاحات داوران و جمع اوری و وارد کردن داده ها در نرم افزار اماری و ویرایش نهایی مقاله و ترجمه نقش داشته است.ابوالقاسم رئیسی در ویرایش نسخه نهایی مشارکت کرده اند.

[Downloaded from jpsi.medilam.ac.ir on 2026-11-02]

References

1. Group OCCW. Psychometric validation of the obsessive belief questionnaire and interpretation of intrusions inventory—Part 2: Factor analyses and testing of a brief version. Behaviour Research and Therapy. 2005;43(11):1527-42.
2. Ghasemi N, Sadeghzadeh M, Azarniushan M. Psychometric properties of persian version of Fear of Self Questionnaire related Obsessive Compulsive Disorder. Shenakht Journal of Psychology and Psychiatry. 2022;8(6):24-36.
3. Aardema F, Moulding R, Melli G, Radomsky AS, Doron G, Audet JS, et al. The role of feared possible selves in obsessive–compulsive and related disorders: A comparative analysis of a core cognitive self-construct in clinical samples. Clinical psychology & psychotherapy. 2018;25(1):e19-e29.
4. Doron G, Derby D, Szepsenwol O, Nahaloni E, Moulding R. Relationship obsessive–compulsive disorder: Interference, symptoms, and maladaptive beliefs. Frontiers in Psychiatry. 2016;7:58.
5. Riskind JH, Wright EC, Scott M. Anticipated criticism/rejection and negative self-appraisals: do they independently predict OCD symptoms and the negative significance of intrusive thoughts? International Journal of Cognitive Therapy. 2018;11:4-16.
6. Clark DA, Beck AT. Cognitive theory and therapy of anxiety and depression: Convergence with neurobiological findings. Trends in cognitive sciences. 2010;14(9):418-24.
7. Shaver P, Hazan C. Being lonely, falling in love. Journal of Social Behavior and Personality. 1987;2(2):105.
8. Whittal ML, Woody SR, McLean PD, Rachman S, Robichaud M. Treatment of obsessions: A randomized controlled trial. Behaviour research and therapy. 2010;48(4):295-303.
9. Foa EB, Huppert JD, Leiberg S, Langner R, Kichic R, Hajcak G, et al. The Obsessive-Compulsive Inventory: development and validation of a short version. Psychological assessment. 2002;14(4):485.
10. Kurth W. Attachment theory and psychohistory. Journal of Psychohistory. 2013;41(2):100-17.
11. Yang YH, Moulding R, Wynton SK, Jaeger T, Anglim J. The role of feared self and inferential confusion in obsessive compulsive symptoms. Journal of Obsessive-Compulsive and Related Disorders. 2021;28:100607.
12. Doron G. Self-vulnerabilities, attachment and obsessive compulsive disorder (OCD) symptoms: Examining the moderating role of attachment security on fear of self. Journal of Obsessive-Compulsive and Related Disorders. 2020;27:100575.
13. Salkovskis PM, Kobori O. Reassuringly calm? Self-reported patterns of responses to reassurance seeking in obsessive compulsive disorder. Journal of Behavior Therapy and Experimental Psychiatry. 2015;49:203-8.
14. Purdon C, Clark DA. Metacognition and obsessions. Clinical Psychology & Psychotherapy: An International Journal of Theory & Practice. 1999;6(2):102-10.
15. Wong SF, Lim V, Black MJ, Grisham JR. The impact of modifying obsessive-compulsive beliefs about perfectionism. Journal of Behavior Therapy and Experimental Psychiatry. 2021;73:101675.
16. Seah R, Fassnacht D, Kyrios M. Attachment anxiety and self-ambivalence as vulnerabilities toward Obsessive Compulsive Disorder. Journal of obsessive-compulsive and related disorders. 2018;18:40-6.
17. Baraby L-P, Wong SF, Radomsky AS, Aardema F. Dysfunctional reasoning processes and their relationship with feared self-perceptions and obsessive-compulsive symptoms: An investigation with a new task-based measure of inferential confusion. Journal of Obsessive-Compulsive and Related Disorders. 2021;28:100593.
18. Kim S, Lee SW, Cha H, Kim E, Chang Y, Lee SJ. Reconciliation of Two Cognitive Models in Obsessive-Compulsive Disorder: An fMRI Study. Psychiatry Investigation. 2021;18(6):545.
19. Aardema F, Radomsky AS, Moulding R, Wong SF, Bourguignon L, Giraldo-O'Meara M. Development and validation of the multidimensional version of the fear of self questionnaire: Corrupted, culpable and malformed feared possible selves in obsessive–compulsive and body-dysmorphic symptoms. Clinical Psychology & Psychotherapy. 2021;28(5):1160-80.
20. Books B, Bowlby J. Attachment and loss. Separation: Anxiety and. 1973.
21. Bowlby J. Attachment and loss. Volume II. Separation, anxiety and anger. Attachment and loss volume II Separation, anxiety and anger1973. p. 429 p.- p.
22. Reisz S, Duschinsky R, Siegel DJ. Disorganized attachment and defense: exploring John Bowlby's unpublished reflections. Attachment & Human Development. 2018;20(2):107-34.
23. Ainsworth MDS, Blehar MC, Waters E, Wall SN. Patterns of attachment: A psychological study of the strange situation: Psychology press; 2015.

[Downloaded from jpsi.medilam.ac.ir on 2026-11-02]

24. Coan JA. Adult attachment and the brain. Journal of Social and Personal Relationships. 2010;27(2):210-7.
25. FitzGerald KM. Attachment and Reassurance Seeking in Obsessive-Compulsive Disorder: Swinburne University of Technology; 2018.
26. Fasakhoudi MA, Abbasi Z, Roudsari AB, Mazaheri M. Structural Relationship of Anxious Attachment Style with Pain Catastrophizing, Fear of Pain, and Vigilance to Pain in Non-clinical Pain Cases. Iranian Journal of Psychiatry and Behavioral Sciences. 2022;16(1).
27. Hazan C, Shaver PR. Broken attachments: Relationship loss from the perspective of attachment theory. Close relationship loss: Theoretical approaches: Springer; 1992. p. 90-108.
28. Feeney BC, Kirkpatrick LA. Effects of adult attachment and presence of romantic partners on physiological responses to stress. Journal of personality and social psychology. 1996;70(2):255.
29. Vickers K, Ein N, Koerner N, Kusec A, McCabe RE, Rowa K, et al. Self-reported hygiene-related behaviors among individuals with contamination-related obsessive-compulsive disorder, individuals with anxiety disorders, and nonpsychiatric controls. Journal of obsessive-compulsive and related disorders. 2017;14:71-83.
30. Pozza A, Dettore D, Marazziti D, Doron G, Barcaccia B, Pallini S. Facets of adult attachment style in patients with obsessive-compulsive disorder. Journal of Psychiatric Research. 2021;144:14-25.

[Downloaded from jpsi.medilam.ac.ir on 2026-11-02]